



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال النبى صلى الله عليه وآله وسلم: «إذا أراد الله بعبد خيراً ففقهه فى الدين»، خداوند متعال را شکر مى کنیم که مشغول به بحثهای فقهی هستیم و إن شاء الله مشمول این حدیث نبوی باشیم.

بچثمان قبل از تعطیلات دهه اول محرم در ولایت فقیه بود که در میان احکام سیاسی اسلام محوریت دارد، عرض کردیم ولایت فقیه بسیار مهم است فلذا کیفیت طرح آن مختلف است و در علوم ششگانه: کلام، فلسفه، تفسیر، حدیث، تاریخ و فقه از آن بحث شده است.

ما طبق کلام شیخ انصارى رحمه الله علیه بحث می کردیم، ایشان ابتداء به سراغ ولایت الهیه ذاتیه پیغمبر و ائمه عليهم السلام رفتند و این ولایت را با أدله أربعه (کتاب، سنت، اجماع، عقل) برای آنها ثابت کردند، سپس وارد بحث ولایت فقیه شدند، البته این بحث در مورد ولایت جعلیه اعتباریه است و ما نمی خواهیم بگوئیم آن ویژگی ها و امتیازات و خصوصیات ذاتی تکوینی پیغمبر و ائمه عليهم السلام مثل اینکه واسطه در فیض هستند را فقیه نیز دارد بلکه می خواهیم بگوئیم فقیه از طرف آنها ولایت جعلیه و اعتباریه برای اداره امور مردم دارد و این اعتبار خیلی اهمیت دارد و عقلاء نیز خیلی به آن توجه دارند و در امور مختلف زندگی بر اساس مصالح و مفاسدی که در نظر می گیرند اعتباریات و قوانینی دارند مثل تغییر ساعت در اول بهار و اول پائیز و موارد دیگری که قبلاً عرض کردیم.

شیخ اعظم انصارى وارد بحث ولایت فقیه شدند و اینطور فرمودند: «و بالجملة، فلا يهْمُنَا التَّعَرُّضُ لذلِكَ، إِنَّمَا الْمُهْمُ التَّعَرُّضُ لحكم ولاية الفقيه بأحد الوجهين المتقدمين، فنقول: أمّا الولاية على الوجه الأول أعني استقلاله في التصرف فلم يثبت بعموم عدا ما ربما يتخيل من أخبار واردة في شأن العلماء مثل: أن العلماء ورثة الأنبياء».

### وجهين المتقدمين:

وجه اول: فقیه برای اداره امور جامعه ولایت دارد و می تواند در اموال و انفس و بیت المال تصرف کند و یا اعلان جهاد و یا صلح کند یعنی همان ولایت پیغمبر و ائمه عليهم السلام را دارد.

وجه دوم: اگر افراد دیگری خواستند در امورات مختلف اجتماعی تصمیم گیری کنند باید از فقیه اجازه بگیرند مثلاً امر به معروف شرائط و مراتبی دارد که یکی از آن مراتب متعلق به همه است که در جای خودش و با شرائطش باید تذکر بدهند اما گاهی امر به معروف به مرتبه درگیر شدن و زدن و حتی کشتن می رسد که این مرتبه باید با نظر و اجازه فقیه باشد.

شیخ اعظم انصارى وجه اول را انکار می کند و احادیثی را ذکر می کند و از راه فقه الحدیث اثبات می کند که فقیه ولایت وجه اول را ندارد و شیخ این مطلب به این شکل را از استادش مرحوم ملا احمد نراقی أخذ کرده است که در کتاب عوائد ولایت فقیه را با قدرت اثبات کرده است زیرا خود ایشان تلخی نبودن یک فقیه در رأس امور را چشیده بوده چراکه ایشان در جنگی که بین ایران و روسیه واقع شد در رکاب سید محمد مجاهد حضور داشته و شکست ایران را به چشم دیده بوده.

( در کتاب جامع الشتاة که تألیف میرزای قمی رحمه الله است مردم ایران ۲۴ سؤال در مورد جنگ روسیه و

تسلط آن بر ایران پرسیده اند که خیلی آموزنده است، اولاً سوال شده که آیا بر مرد و زن و پیر و جوان لازم است که فنون نظامی یاد بگیرند تا برونند به جنگ با دشمن و شهرها را پس بگیرند؟ میزای قمی جواب داده اند بله لازم است .

ثانیاً در مورد هزینه کردن و رفتن به کربلاء و نجف برای زیارت سوال شده که میزای قمی فرموده خیر، باید تمام پولهایشان را جمع کنند و برای جنگ با دشمن هزینه کنند.

ثالثاً در مورد حج سوال شده که ایشان فرموده جنگ با دشمن بر حج مقدم است، خلاصه ۲۴ سوال پرسیده شده و جالب است حتی سوال شده اگر ما برای جنگ رفتیم و دشمن تَتَرُس (ایجاد سپر انسانی از اُسراء مسلمین) کرد چه کنیم؟ ایشان می فرمایند اگر این کار را کردند بکشید تا به دشمنان برسید، خلاصه ۲۴ فتوی شبیه اینها از میزای قمی ذکر شده که خودش یک تاریخ است و قابل توجه می باشد، و بالاخره ایشان در آخر کلامش فرموده افسوس که من بسط ید ندارم، زیرا زمان فتحعلی شاه قاجار بوده و اولاً فرهنگ جهاد و شهادت و ایثار در مملکت حاکم نبود و ثانیاً فتحعلی شاه کاخ نشین بود و چنین روحیه ای نداشت، خلاصه اینکه میزای قمی ابراز تأسف می کند و حتی می فرماید با گفتن شیرین دهان شیرین نمی شود و متأسفیم که ما قدرت و بسط ید نداریم).

شیخ اعظم ده حدیث در اثبات ولایت فقیه نقل کرده و بعد تمام آنها را یک به یک رد می کند، اولین خبری که ایشان نقل می کند حدیث: ﴿العلماء ورثة الانبياء﴾ می باشد که ملا احمد نراقی و امام رضوان الله علیه از

این حدیث ولایت فقیه را استنباط کرده اند اما شیخ اعظم انصاری و محشین مکاسب همه منکر هستند. آدرس کلام امام رضوان الله علیه را عرض می کنم تا بحث را مطالعه کنید، ایشان در کتاب البیع جلد ۲ صفحه ۶۴۵ این بحث را مطرح کرده و می فرماید روایت: ﴿العلماء ورثة الانبياء﴾ بر ولایت فقیه دلالت دارد ، همچنین ایشان در بحث ولایت فقیه که در نجف اشرف داشتند نیز برای اثبات ولایت فقیه به همین روایت استدلال کرده اند و در جلد ۴۵ دفتر تبیان نیز فرموده اند حدیث: ﴿العلماء ورثة الانبياء﴾ بر ولایت فقیه دلالت دارد.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین